

تمرین

- ۱- از یک موضوع طبیعت، یک بار به شیوه‌ی گواش رقیق یا آبرنگ و بار دیگر، به شیوه‌ی گواش غلیظ کار کنید.
- ۲- از یک موضوع طبیعت در سه زمان مختلف (صبح، ظهر و بعدازظهر) نقاشی کنید. به نورها، سایه‌ها و رنگ‌ها، به دقت توجه کنید. ترکیب‌بندی به کار رفته را در تمرینات منزل ساده‌تر کنید.
- ۳- به شیوه‌ی دلخواه از یک منظره نقاشی کنید. (بهتر است تمرینات، حتی‌الامکان در فضای باز انجام شود).

۲-۳- شناخت روش‌های نقاشی از طبیعت با رنگ و روغن

مصالح و روش‌های رنگ و روغن

رنگ‌های روغنی، از ساییدن رنگیزه‌ها در روغن‌های خشک‌شونده به دست می‌آیند. روغن بزرک، گردو و آفتابگردان، روغن‌هایی هستند که در مجاورت هوا خشک شده، برای مخلوط با رنگ مناسب‌اند. این روغن‌ها هم نقش خشک‌شونده و هم روان‌کننده ماده رنگ را دارند. رنگ روغن به دست آمده از سایش رنگیزه‌ها در روغن را می‌توان به صورت مختلفی مانند اسلوب‌های شفاف نما^۱ و پوشاننده^۲ و خیس در خیس^۳ و یا لایه به لایه^۴ به کار برد.

برای رقیق کردن رنگ و روغن از تریپتین و روغن بزرک استفاده می‌کنیم. رنگ و روغنی که با تریپتین رقیق شده باشد، به سرعت خشک می‌شود. در این صورت، رنگ و روغن، حالتی شفاف (ترانسپارنت) دارد. امروزه از موادی مانند لیکوین^۵ نیز می‌توان استفاده کرد که با سرعت بیشتری از بزرک رنگ و روغن را خشک می‌کنند.

روغن بزرک کندتر از تریپتین خشک می‌شود و به همین دلیل، بهتر می‌توان سایه روشن‌های متفاوت را با آن ایجاد نمود. برای کار با رنگ و روغن، باید ابزار و مواد آن را شناخت. از رنگ ماده‌ی روغنی هم به صورت لعاب رنگ نازک و شفاف، و هم به صورت لایه‌های غلیظ و ضخیم استفاده می‌شود. در نقاشی رنگ و روغن برخلاف نقاشی با گواش یا آکرلیک رنگ‌ها در حالت‌های خیس و خشک حالتی یکسان دارند. می‌توان زمینه‌ی بوم را ابتدا با ته رنگ یا سایه رنگ پوشاند. ته رنگ خود می‌تواند به عنوان رنگ بخش‌هایی از اثر مورد استفاده قرار گیرد و برای ایجاد آن می‌توان از مخلوط رنگ و تریپتین استفاده کرد و با پارچه



تصویر ۴۷-۲- نمونه‌ای از وسایل رنگ و روغن و قلم‌موهای زیر و نرم

۱- Transparent

۲- Opaque یا مات

۳- Wet into Wet

۴- Layer by Layer

۵- Liquin

به درجات مختلف آن را پاک کرد یا از یک لایه آکرولیک رقیق کمک گرفت. روش‌های مختلفی مثل نقاشی روی زمینه‌های روشن و نقاشی روی زمینه و رنگ سایه‌های تیره تمرین خوبی برای ماهر شدن در نقاشی رنگ و روغنی هستند. قلم‌موهای زبر بافتی خشن‌تر ایجاد می‌کنند و حتی می‌توان با چسب یا مخلوطی از چسب‌ها یا جسو و شن بافت‌هایی بر روی زمینه ایجاد نمود. وسایلی مانند قلم‌موهای متنوع تخت و گرد، حلال‌ها [ترباتین و نفت (برای شستن قلم‌مو)]، بوم‌ها، پالت یا تخته رنگ و پارچه برای تمیز کردن در کنار سه پایه‌های ثابت و سفری لوازم مختلف رنگ و روغن را شامل می‌شوند که باید امکانات مختلف آن‌ها را شناخت. کیفیت رنگ‌ها، انواع قلم‌مو و کاربردهای متنوع رنگ بر سطوح مختلف، شما را قادر می‌سازد تا به امکانات این وسیله مسلط شوید. کاربرد

رنگ و روغن بنا به سبک، روحیه و شیوه شخصی هر فرد متفاوت است. شیوه‌ی تخت یا هندسی، شیوه‌ی لکه‌گذاری، شیوه‌ی طبیعت‌پردازانه (ساخت و ساز) از رایج‌ترین شیوه‌های نقاشی رنگ و روغن است.

شیوه تخت یا هندسی: در این شیوه، ترکیب‌بندی مناسبی را از طبیعت انتخاب کرده، اشکال آن را ساده می‌کنیم. باید سعی شود، سایه‌روشن‌ها و رنگمایه‌ها به صورتی تفکیک شده، کنار هم قرار گیرد.



تصویر ۲-۴۸ - استفاده از شیوه تخت و کادر مثلث در نقاشی منظره (اثر نویسندگان)

تمرین

۱- چند ترکیب‌بندی را در اندازه‌ی کوچک به صورت ساده طراحی کنید. سپس از میان آن‌ها، یکی را انتخاب نموده، به شیوه‌ی تخت از روی آن نقاشی کنید.

۲- با تغییر شکل دادن، منحنی کردن، هندسی کردن، بکشید منظره‌ای را با شیوه‌ای شخصی نقاشی کنید. قبل از شروع به کار، با استاد و دوستان خود مشورت کنید.

شیوه‌ی لکه‌گذاری: در این شیوه، لکه‌های رنگ، هم به صورت مجزا و هم به صورت روی هم، به کار گرفته می‌شوند. این شیوه بسیار متنوع است و سبک‌های مختلفی را می‌توان نام برد که از امکانات آن بهره گرفته‌اند (تصویر ۲-۳۱).

تنوع بافت و رنگ در این شیوه، بیش از شیوه‌ی قبلی است. در شیوه‌ی امپرسیونیستی، رنگ‌های تیره و روشن و سرد و گرم به طور همزمان با ضربه‌ی قلم‌های مقطع به کار گرفته می‌شود. در شیوه‌ی دیگر، بهتر است ابتدا لکه رنگ‌ها را از رنگ‌های تیره و رقیق شروع و به رنگ‌های غلیظ و روشن ادامه داد. در پایان، روشن‌ترین و تیره‌ترین تأکیدات رنگی را به کار می‌بریم. بهتر است این کار پس از خشک شدن رنگ‌ها صورت گیرد تا با رنگ‌های زیرین مخلوط نشود.

این شیوه را می‌توان در کار نقاشان بزرگ منظره‌پرداز رمانتیک و رئالیسم دید. هنگام کار با رنگ و روغن گاه لازم است تا رنگ را با قشر بیشتری به کار برد. برای این کار، می‌توان از کاردک، برای برداشتن و گذاشتن رنگ کمک گرفت. همچنین نقاشان گاه از کاردک به صورتی مستقل برای گذاشتن رنگ استفاده می‌کنند. در این حالت، استفاده از کاردک با شکل‌های متنوع، کمک می‌کند تا کار آسانتر انجام گیرد. (هر یک از کاردک‌ها، کاربردی خاص دارند.)



تصویر ۲-۴۹



تصویر ۲-۵۰

تصاویر ۲-۴۹ و ۲-۵۰ در منظره‌سازی به شیوه لکه‌گذاری، از ساده کردن شروع می‌کنیم و بعد، جزییات را اضافه می‌کنیم. دقت نمایید که چگونه رنگ‌های سرد، پلان‌بندی اجزای طبیعت را مشخص‌تر نموده است. (اثر نویسندگان)



تصویر ۲-۵۱



تصویر ۲-۵۲



تصویر ۲-۵۳

تصاویر ۲-۵۱ تا ۲-۵۳ در شیوه رنگ و روغن، ابتدا از رنگ‌های رقیق‌تر شروع می‌کنیم. برای طراحی نیز می‌توان از همین رنگ‌های رقیق کمک گرفت. رنگ‌های نزدیک را گرم‌تر و رنگ‌های دور را سردتر انتخاب می‌کنیم. (اثر نویسندگان)

تمرین

۱- از یک منظره، به شیوه لکه گذاری امپرسیونیستی کار کنید (رنگ‌ها را همزمان به کار ببرید).

۲- از یک منظره، به وسیله لکه گذاری بر روی هم (از رقیق به غلیظ) کار کنید. حتی الامکان سعی کنید این تمرین‌ها در فضای باز کار شود. بهتر است برای سرعت بخشیدن به کار از بوم‌های کوچک استفاده شود. می‌توانید این کار را دوباره در منزل به صورت بزرگتر و با پرداخت بیشتر، اجرا نمایید.

شیوه ساخت و ساز: در شیوه ساخت و ساز که از قدیم‌ترین شیوه‌هاست و هنوز نیز رایج است، نقاش در مراحل مختلف اثر خود را تکمیل می‌کند.

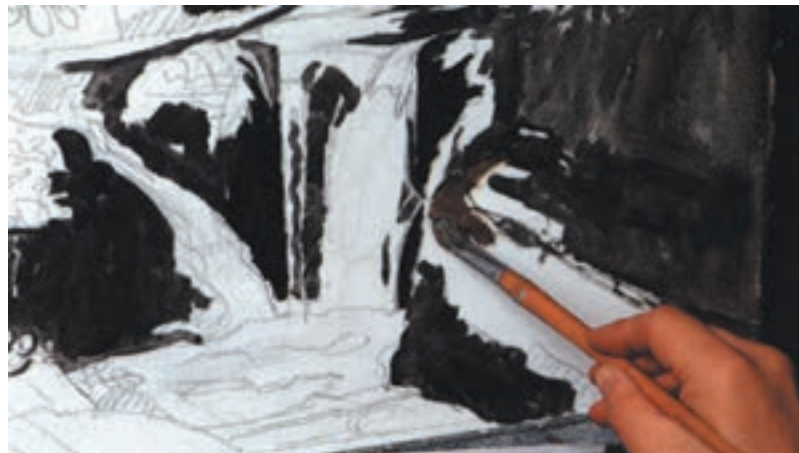
مرسوم‌ترین روش در این شیوه، آن است که ابتدا رنگ به صورتی رقیق (رقیق کردن به وسیله تریبانتین یا روغن بزرک) به کار برده و در مراحل بعد، طرح کامل می‌شود. در این شیوه، از رنگ‌های تیره به روشن و از سطوح کُلی به سطوح جزئی‌تر، کار را ادامه می‌دهیم. در هر مرحله، اگر تابلو خشک شده باشد باید دوباره سرتاسر تابلو را با روغن بزرک آغشته کرد، سپس به وسیله دستمال تمیز، اضافه‌های روغن را از روی تابلو برداشت. در این حالت، سطح کار برای سایه‌پردازی‌های بعدی آماده خواهد بود. در روش دیگر که سریع‌تر انجام می‌شود کار را به صورت لکه‌های رنگی (روش دوم) شروع می‌کنیم. آن‌گاه، برای محو کردن و ساخت و ساز رنگ‌های مجاور هم، از قلم‌مویی با موی نرم و تمیز استفاده می‌کنیم (برای این کار، از قلم‌مویی مخصوص به نام قلم‌موی چتری استفاده می‌شود. در غیر این صورت می‌توان از قلم‌موهای تخت با موی بلند و نرم نیز استفاده کرد). برای محو کردن، هنگامی که رنگ‌ها هنوز خشک نشده‌اند، می‌توان از انگشت یا پارچه نیز استفاده نمود.



تصویر ۵۴-۲



تصویر ۵۵-۲



تصویر ۵۶-۲

تصاویر ۵۴-۲ تا ۵۶-۲ - مراحل کار با رنگ و روغن - ابتدا با ساییدن رنگ بر روی بوم، قشر نازکی از رنگ‌های تیره را روی بوم گذاشته، سپس به تدریج رنگ‌های روشن‌تر و غلیظ‌تر را به کار می‌بریم.



تصویر ۲-۵۷



تصویر ۲-۵۸

تصاویر ۲-۵۷ و ۲-۵۸ - همه‌جای کار با هم پیش می‌رود و اثر به تدریج کامل می‌شود.



تصویر ۵۹-۲



تصویر ۶۰-۲



تصویر ۶۱-۲

تصاویر ۵۹-۲ تا ۶۱-۲ از لبه‌های قلم‌مو، برای شکل برگ‌ها استفاده می‌شود. از چوب بلندی برای تکیه‌گاه می‌توان استفاده کرد. این عمل بیشتر برای ریزه‌کاری‌ها کاربرد دارد.

پس از خشک شدن رنگ، برای محو کردن و برجسته کردن، از «رنگابه کاری» استفاده می‌شود. این کار در طبیعت برای اجزای دورتر مثل کوه‌ها و درختان دور دست و همچنین، برای ساخت و ساز ابرها استفاده می‌شود.



تصویر ۶۲-۲- ویلهلم هامرشوی - ۱۹۰۵ - رنگ و روغن روی بوم



تصویر ۲-۶۳



تصویر ۲-۶۴



تصویر ۲-۶۵

تصاویر ۲-۶۳ تا ۲-۶۵ نمونه‌هایی از کارهای منظره که هر کدام به صورتی ساده شده است (اثر مؤلفان)



تصویر ۶۶-۲- نقاشی منظره به شیوه ساخت و ساز
(نویسندگان)



تصویر ۶۷-۲



تصویر ۶۸-۲

تمرین

- ۱- از یک موضوع طبیعت به شیوه ساخت و ساز نقاشی کنید.
- ۲- از یکی از آثار نقاشان منظره پرداز، با همان شیوه نقاشی کنید.
- ۳- از یک موضوع طبیعت با یک وسیله دلخواه (مداد رنگی، پاستل، گواش، اکریلیک) نقاشی کنید. در صورت نیاز می‌توانید این وسایل را با هم تلفیق کنید.

نقاشی از پیکره انسان

هدف‌های رفتاری: در پایان این فصل فراگیر باید بتواند:

- از پیکره انسان با رنگ و روغن نقاشی کند.
- از اندام انسان به شیوه سریع (اسکیس) نقاشی کند.
- از نیم تنه و چهره نقاشی کند.
- با تلفیق پیکره، طبیعت و طبیعت بی جان نقاشی کند.

۱-۳- آشنایی با سابقه و سیر تحول نقاشی از پیکره انسان

اولین کوشش‌های تصویری انسان بر پایه توجه او به زیبایی شکل اندام باز می‌گردد.

هنر غارنشینی، بر ثبت پیکره جانوران و انسان مبتنی است. جادوی این اشکال، در باور ترسیم‌کنندگان، تجسمی از بارآوری، شکار و معانی دیگر بوده است. انسان غارنشین در محیط خود با برداشتی طبیعت‌گرایانه، رفتار و پیکره جانوران و انسان را در لحظات گذرا ثبت می‌کند و شکار جانوران او را وامی‌دارد تا با دقت بیشتری پیکره جانوران را ترسیم نماید. اندام انسان در آن زمان تا شروع تمدن‌های شهری، به صورتی نمادین و خشک ترسیم می‌شود.

این نقوش نمادین و جادویی در تمدن‌های بین‌النهرین، مصر و ایران به صورت قراردادهایی تصویری تکرار می‌گردد. پس باید گفت آنجا که هنرمند برداشتی عینی از اندام به دست می‌دهد، حالت طبیعت‌گرایانه آن بیشتر، و آنجا که برداشت‌ها ذهنی‌ست، حالت‌های نمادگرایانه آن، ارجحیت می‌یابند. مثلاً پیکره‌های مصر باستان با بالاتنه تمام رخ و سرها و پاها نیم‌رخ تصویر می‌شوند. چرا که به اعتقاد مصریان این شکل از نشان دادن اندام، از هر جزء، کامل‌ترین وجه را نمایان می‌سازد. در هنر یونان باستان، این نوع نگاه نمادین، به شکلی آرمانی و طبیعت‌گرایانه در می‌آید و خدایان هیأتی انسانی می‌یابند. از این رو، توجه به شکل اندام انسان و حیوانات، هنرمند باستان را بر آن می‌دارد تا اندام را نه با برداشتی ماورایی، بلکه با نگاهی واقع‌گرایانه بنمایاند.

هر چند، زیبایی اندام از قوانین آرمانی پیروی می‌نمود، با این همه، در اواخر عصر طلایی هنر یونان تأثیرات واقع‌گرایانه بیشتر شد. چنانچه در هنر مصری نیز، با این روند روبرو هستیم. در همین دوران، اندام کودکان و پیران نیز جزو موضوعات مورد علاقه هنرمند می‌شوند.

رومیان، با این که تحت تأثیر فرهنگ یونانی بودند در چهره‌نگاری ویژگی‌های آرمانی را در نظر نگرفتند و بر خصوصیات فردی هر چهره تأکید ورزیدند. چهره‌های تصویر شده در این زمان، جزو طبیعت‌گرایانه‌ترین چهره‌های جهان باستان‌اند و هنرمند با پرداختن به اجزای صورت، آن را به صورتی طبیعی نشان داده است (تصویر ۲-۳). تمدن بیزانس، تمدن اسلامی و تمدن شرق دور، هر یک به شیوه‌ای، اشکال مختلف اندام را تصویر می‌نمایند. این پیکره‌ها تحت تأثیر بینش مذهبی، ماهیتی «ناملموس» و مثالی دارند.



تصویر ۳-۱



تصویر ۳-۲ - نقاشی دیواری - روم باستان



تصویر ۳-۳- نقاشی ایرانی آبرنگ روی کاغذ - احتمالاً مکتب قزوین



تصویر ۴-۳- فرشته نشسته - مکتب تبریز - آبرنگ و طلا روی کاغذ ۱۱×۱۳ سانتی متر



تصویر ۵-۳- محمدعلی میرزا - ۱۲۳۶ - (۱۸۲۰) رنگ و روغن روی بوم ۲۰۸×۱۰۷



تصویر ۶-۳- کمال الملک شبیه عمو صادق شیرازی با کهنه فروش‌ها - رنگ و روغن روی بوم - ۱۳۰۸ ه.ق - ۶۹/۵×۵۳ سانتی متر



تصویر ۷-۳- محمد رضا ایرانی - گاوچران - ۶۵×۵۳ سانتی متر - رنگ و روغن روی بوم

نسبت‌های اندام، اجزای بدن و طرز قرار گرفتن آن‌ها، تحلیل ویژگی‌های هنری هر منطقه را آسانتر می‌سازد. عصر رنسانس با احیای پیش‌کلاسیک یونان، نقاشی پیکره را وارد مرحله جدید می‌کند. کشف پرسپکتیو و برجسته‌نمایی و تنوع حرکات اندام و همچنین، توجه به آناتومی و تشریح بدن، امکانات تازه‌تری را در اختیار هنرمند قرار می‌دهند (تصویر ۸-۳).



تصویر ۸-۳- هوگو وان درگوز- نقاشی رنگ و روغن روی بوم- ۱۴۷۶ م. ۲۵۳×۳۰۵ سانتی‌متر

اندام‌های عضلانی و متنوع در آثار میکل آنژ^۱، سایه‌پردازی‌های ملایم و شاعرانه در پیکره‌های لئوناردو داوینچی^۲ و حس معصومانه مریم و کودک‌های رافائل^۳، از دستاوردهای همین دوران به‌شمار می‌روند (تصویر ۹-۳). ال گرکو و پوترمو^۴ در شیوه‌ی «منریسم»^۵، آموزه‌های رنسانس را با اغراق در حالات بدن توأم می‌کنند.



تصویر ۹-۳- رافائل سانتسیو - پاپ و کاردینال‌ها - رنگ و روغن روی بوم

۱- Buonarroti, Michelangelo (1475 - 1564)

۲- Leonardo da Vinci (1452 - 1519)

۳- Raphael (1483 - 1520)

۴- Pontorno (Jacopo) (1494 - 1557)

۵- Mannerism

شکوه و عظمت در نورپردازی باروک، پیکره‌ها را حجیم‌تر و حالات چهره را دقیق‌تر می‌نمایاند. در این عصر، چهره پردازی در آثار رامبراند، با نوعی موشکافی روان‌شناسانه و استفاده‌ی آزادانه از قشر رنگ همراه است. همین خصوصیات، به‌علاوه تنوع در کاراکترسازی و موقعیت‌های فیگور در آثار گویا^۱ نیز به شکلی دیگر دیده می‌شود. گویا، روحیات رمانتی‌سیسم، رئالیسم و اکسپرسیونیسم را در دوره‌های مختلف آثارش به نمایش می‌گذارد. تجدید میثاق‌های رنسانس و یونان باستان در دوره‌ی «نتوکلاسیک»^۲ و ظهور موضوعات شاعرانه (تصویر^{۱-۳}) و افسانه‌ای در دوران رمانتی‌سیسم، پیکره‌نگاری را با تلقی‌ات این شیوه‌ها، توأم نمود.



تصویر^{۱-۳} - ژاک لویی داوید - سوگند هوراتیوس‌ها - ۱۷۸۴ - رنگ و روغن روی بوم ۳۳۰×۴۲۰ سانتی متر

۱- Francisco de Goya (1746 - 1828)

۲- Neoclassicism

ظهور عکاسی، مهاجرت روستاییان به شهر و زندگی صنعتی، پیکره نگاری را از حالت آرمانی و رسمی خارج ساخت. نقاشان رئالیسم چون کوربه و دومیه^۱، بر زندگی مردم عادی در فضاهای معمولی تأکید ورزیدند. از این پس، فیگورهای افراد عادی نیز در پرده‌های نقاشی راه یافت (تصویر ۱۱-۳). آنچه در دگرگونی نگرش نسبت به پیکره در امپرسیونیست‌ها مشهور است، توجه به لحظات آنی و کشفیاتی در نور و رنگ است (تصاویر ۱۲-۳ و ۱۳-۳).



تصویر ۱۱-۳. ژان فرانسوا امیله - خوشه‌چینان ۱۸۵۷ - ۸۴×۱۱۰ سانتی‌متر



تصویر ۱۲-۳- اگوست رنوار - مادام شادنیپتر و بچه‌هایش - ۱۸۷۸ م. رنگ و روغن روی بوم



تصویر ۱۳-۳- کامیل پیسارو - منظره روستایی ۱۸۸۹

بسیاری از نقاشان امپرسیونیسم همچون دگا^۱ و لوترک^۲، موضوعاتی چون بالرین‌ها، بندبازان و سوارکاران را دستمایه کار خود قرار می‌دهند. این موضوعات، اندام‌ها را در حال حرکت و تغییر موقعیت نشان می‌دهند (تصویر ۱۴-۳).



تصویر ۱۴-۳- ادگار دگا- سوارکاران- رنگ و روغن روی بوم



تصویر ۱۵-۳- ژرژسورا- جزیره ژات بزرگ- رنگ و روغن روی بوم

۱- Edgar, Degas (1834 - 1917)

۲- Henri de Toulouse Lautrec (1864 - 1901)

در نئو امپرسیونیسم، اندام‌ها به اشکال بسیار متنوع نقاشی می‌شوند. پیکره‌های مجسمه‌گون سورا^۱ (تصویر ۳-۱۵) و سزان^۲، حالت‌های نمادین و شبه باستانی گوگن^۳ و اغراق‌های وان گوگ^۴ و لوترک، این تفاوت‌ها را بهتر آشکار می‌سازد. تناقضات، تنش‌ها و اتفاقات اجتماعی و سیاسی، تأثیرات ژرفی بر شیوه‌های متأخرتر نهاد. اکسپرسیونیست‌ها با کژتابی‌ها و اغراق‌ها، «فوسیت‌ها» با رنگ‌های تابان و ضربات قلم‌مو، «کویست‌ها» با شکل‌های هندسی و برش‌هایی از سطوح مختلف پیکره، (تصاویر ۳-۱۶ و ۳-۱۷) «فوتوریست‌ها»^۵ با اضافه کردن حرکت به بینش کویستی (تصویر ۳-۱۸)، «سوررئالیست‌ها»^۶ با نامتعارف کردن وضعیت و شکل اندام، به صورت‌های گوناگون امکان نمایش اندام را توسعه دادند (تصاویر ۳-۱۹، ۳-۲۰ و ۳-۲۱). در این جریان‌ها هنرمندانی را می‌توان یافت که علاوه بر دستاوردهای شیوه‌خویش، از نقاشی‌ها و پیکره‌های شرقی، بدوی و باستانی سود جستند. به‌عنوان مثال، گوگن^۷، ماتیس^۸ و مودیلیانی^۹، از منحنی‌ها و ریتم زیبای نقاشی‌های ایرانی (تصاویر ۳-۲۲ و ۳-۲۳)، پیکاسو^{۱۰} و براک^{۱۱} از ماسک‌ها و پیکره‌های افریقایی (تصویر ۳-۱۷)، ویلیام بلیک^{۱۱} و گوستاو کلیمت^{۱۲}، از پیکره‌های هخامنشی، آشوری و مصری بهره جستند.



تصویر ۳-۱۶- پابلو پیکاسو - خانواده سالیمن بانک - رنگ و روغن روی بوم ۱۹۰۵

۱- Georges, Seurat (1859 - 91)

۴- Vincent van Gogh (1853 - 90)

۷- Henri, Matisse (1869 - 1954)

۹- Pablo, Picasso (1881 - 1973)

۱۲- Gustav, Klimt (1862 - 1918)

۲- Paul, Cézanne (1839 - 1906)

۵- Futurists

۸- Amedeo, Modigliani (1884 - 1920)

۱۰- Georges, Braque (1882 - 1963)

۳- Paul, Gauguin (1848 - 1903)

۶- Surrealisms

۱۱- William Blake (1757 - 1827)



تصویر ۱۷-۳- پابلو پیکاسو - پرتره از خود - رنگ و روغن روی بوم



تصویر ۱۸-۳- مارسل دوشان - زنی از پلکان پایین می آید - رنگ و روغن روی بوم ۱۹۱۲



تصویر ۱۹-۳- مارک شاگال - ویولونزن - رنگ و روغن روی بوم



تصویر ۲۰-۳- سالوادور دالی- بخشی از مادونای پورت لیگا ۱۹۵۰- رنگ و روغن روی بوم- در این تصویر مناسبات اشیا و اندام‌ها به هم خورده و حالتی رؤیایگونه و غیرواقعی گرفته است.



تصویر ۲۱-۳- سر کسی که پیپ می‌کشد- رنگ و روغن روی بوم ۱۹۲۵

هنر «فیگوراتیو»، با تجدید حیاتی دوباره، بر بسیاری از جریانات هنر معاصر تأثیر نهاده است. چنان‌که بسیاری از شیوه‌های قبلی نمایش اندام، با فضایی جدیدتر در نقاشی معاصر احیا می‌شود.



تصویر ۲۲-۳- فرانس مارک ۱۹۱۲- گوزن‌های قرمز



تصویر ۲۳-۳- ماکس بکمان - عزیمت - بخشی
از قاب سه لوحی - ۳۲ - ۱۹۳۰ - رنگ و روغن
روی بوم ۲/۲×۱۱۵ سانتی متر



تصویر ۲۴-۳- دیگو ریورا - حمل کننده گل - ۱۹۳۵ - رنگ و روغن و تمپرا ۱۲۱×۱۲۲ سانتی متر



تصویر ۲۵-۳- اندرو وایت - دنیای کریستینا - تمپرا - ۱۹۴۸ - ۱۲۰×۸۰ سانتی متر



تصویر ۲۶-۳- دیوید هاکنی - نگاه کردن تصاویر روی پاراوان - ۱۹۷۷ - رنگ و روغن روی بوم - ۷۲×۷۲ سانتی متر



تصویر ۲۷-۳- کیت هارینگ - پازل میمون - ۱۹۸۸